

دوباره شعر معاصر

-۲-

بقیه خلاصه سخن رانی آقای دکتر رعدی آدرخشی
در پانزدهم آبان ۱۳۴۷ در نخستین کنگره شعر ایران *

دوره دوم

در دومین دوره مشروطیت که از ۱۲۹۹ یعنی کودتای سوم اسفند آن سال آغاز میشود و با ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ یعنی تاریخ حمله و ورود متفقین به ایران پایان می یابد تحولات و اصلاحات اجتماعی مهمی بهمت رضاشاه کبیر در ایران صورت گرفت و ثبات و آرامشی در اوضاع پدید آمد. تفصل این محمد در متن کامل سخنرانی مندرج است.

شعر و ادب ایران نیز تحت تأثیر تحولات مذکور قرار گرفت. اشعار و ترانه های شورانگیز و انقلابی صدر مشروطیت و سالهای مقدم بر طلوع دولت پهلوی بتدریج جای خود را به اشعار و آثاری در زمینه های مختلف دیگر سپرد. میرزاده عشقی در تعقیب آزمایشهای جالب توجهی که در چهار پنجسال پیش از کودتا بمنظور ایجاد تحولی در ادبیات کرده بود در اواسط سال ۱۳۰۱ شمسی منظومه معروف وصفی و اجتماعی خود را بنام ایده آل در سه تابلو انتشار داد که بند اول آن با این ابیات شروع میشود:

اوائل گل سرخ است و انتهای بهار نشسته ام سرسنگی کنار یک دیوار
جوار دره در بند و دامن کهسار فضای شمران اندک ز قرب مغرب تار

هنوز بود اثر روز برفراز « اوین »

* در شماره گذشته متأسفانه در شماره گذاری چند صفحه از قسمت اول سخن رانی آقای دکتر رعدی اشتباهی روی داده بود. شماره ترتیب صفحات آن شماره از صفحه ۹۸۹ بیعد بشرح زیر است: ۹۹۲ (بجای ۹۹۰) - ۹۹۰ (بجای ۹۹۱) - ۹۹۱ (بجای ۹۹۲) - صفحه ۱۰۶۰ هم مکرر و زاید است.

چون تصور میکنم علاوه بر اشعار دهخدا در اوائل مشروطیت مقدمه کوتاهی که میرزاده عشقی در روزنامه شفق سرخ جناب آقای علی دشتی در شهریور ۱۳۰۱ خورشیدی هنگام نشر منظومه ایده آل نوشته و همچنین خود آن منظومه در تشویق نیما یوشیج و رشید یاسمی در بیشتر موارد و در ترغیب ملک الشعراء بهار در چند مورد بسرودن اشعار بیکی نوبا مضامینی نوتر مؤثر افتاده باشد قسمتی از مقدمه عشقی را قرائت میکنم :

«فارسى زبانها من شروع کرده‌ام بیک شکل نوظهورى افکار شاعرانه‌ام را به نظم در آورم و پیش خود خیال کرده‌ام که انقلاب ادبیات فارسى با این اقدام انجام خواهد گرفت ...

انشاءالله شعراى آینده دنباله این طرز گفتار را گرفته تکمیل خواهند کرد .»

عشقی در ۱۳۰۵ کشته شد و نتوانست راهی را که گشوده بود پویان برساند .

اما بفاصله چندماه پس از انتشار منظومه ایده آل عشقی (شهریور ۱۳۰۱ ه شمسی) نیما یوشیج که تا آن موقع فقط قصیده و قطعه و مثنوی بسبک قدما میگفت و بسبب عدم تسلطش در این سبک نتوانسته بود جلب توجهی بکند در پائیز ۱۳۰۱ قطعه‌ای شب‌را که تأثیر منظومه معروف دهخدا بمطلع : ای مرغ سحر جوان شب تار . . . در آن محسوس است سرود .

و در دیماه همان سال منظومه معروف افسانه را منتشر کرد که از حیث طرز تفکر شاعرانه و وصف حالات روحی و خاطرات شاعر دارای مزایا و خصوصیات بی‌سابقه است و با وزنی خوش آهنگ با ایلان ابیات شروع میشود :

در شب تیره دیوانه‌ای کاو

دل برنگی گریزان سپرده

در دره‌ی سرد و خلوت نشسته

همچو ساقی گیاهی فسرده

می‌کند داستانی غم آور ...

نیما باهمین سبک منظومه خانواده سر باز و منظومه شمع کرجی و امثال آنها را تا ۱۳۰۵ خورشیدی ساخت که با وجود مسامحه‌ها و گاهی اغلاطی که در همه آنها مانند سایر آثار نیما از حیث استعمال نابجای لغات فارسی و جمله بندیهای غیرمأنوس وجود دارد، رویهمرفته بسبب مضامین تازه و اندیشه شاعرانه خاص او در آن منظومه‌ها باحسن استقبال مواجه شد.

باین وصف با توجه به آزمایشهای شاعرانی مانند دهخدا و عشقی و شمس کسمائی و تقی رفعت و جعفر خامنه‌ای و غیره قبل از ۱۳۰۰ خورشیدی (چه از حیث انتخاب موضوعات جدید و چه از حیث تصرفاتی که بعضی از آنها بطور ملاءم و بعضی دیگر مانند تقی رفعت و شمس کسمائی بطرز افراطی و انقلابی در قالبهای شعری کرده‌اند) نمیتوان قول کسانی را که معتقدند «نیما خود دیباچه روزگار شعر معاصر بود باسانی قبول کرد.»

در اوائل این دوره ملک الشعراء بهار درعین ادامه سرودن قصائدی بسبک قدیم با موضوعاتی تازه مانند دماوند - خورشید - کیهان اعظم - سکوت شب و سرگذشت شاعر (۱۳۰۱) و نفثة المصذور (۱۳۰۴) - درکه (۱۳۰۵) - دندان طمع (۱۳۰۵) شب زمستان (۱۳۰۵) و غیره منظومه‌های دیگری نیز بسبک ذوقافیتین سرود که هم از حیث فکر و موضوع و هم از حیث شکل ظاهری شعر تازگی خاصی در آنها محسوس است از قبیل منظومه افکار پریشان و منظومه کبوترهای من (۱۳۰۲ خورشیدی). در نیمه دوم این دوره هم گاهی با سرودن منظومه‌هایی از قبیل مرغ شب‌آهنگ (۱۳۱۱) و بنای یادگار ترجمه از پوشکین (۱۳۱۴) گاهگاهی در همان سبک ذوقافیتین طبع آزمائی کرد بعنوان نمونه سه بند از منظومه افکار پریشان بهار را (۱۳۰۲) میخوانم:

از براین کسره پست و حقیر

زیر این قبه مینای بلند

نیست خرسند کس از خرد و کبیر

من چرا بیهده باشم خرسند

شده ام در همه اشیا باریك
 رفته تاسرحد اسرار وجود
 چیست هستی افقی بس تاریك
 وندر آن نقطه شکی مشهود

بجز آن نقطه نورانی شك
 نیست اندر افق تیره فروغ
 عشق بستم بحقائقك يك يك
 راست گویم همه وهم است و دروغ

ایرج میرزا در پنجسال اول این دوره یعنی تا ۱۳۰۵ خورشیدی زنده بود و در ده سال آخر عمر از سرودن قصائد و قطعات بسبك قدما که در آن ورزیدگی و مهارت کامل داشت روگردان شد و قصائد و قطعاتی شامل مطایبات یا انتقادهای اجتماعی و بخصوص مثنویهایی از قبیل عارفنامه و زهره و منوچهر سرود که بقول مرحوم رشید یاسمی در آنها بحدی درسهولت بیان و سادگی گفتار هنرمندی نشان داده که گاهی در نثر هم نمیتوان تا آن درجه سادگی بکار برد.

شاید اگر ایرج چند سالی بیشتر عمر میکرد یا چند سالی دیرتر بدنیا میآمد و با آن طبع سرشار و هنری که در باب آمیختن فصاحت و لطف بیان با سادگی و روانی داشت موضوعات متنوع شاعرانه تری رادر شعر خود میپروراند میتوانست یکی از عوامل مهم تحول عمیق و اصیل در ادبیات ایران شود با این وصف همان مقدار از آثار او آخر عمر که از او باقیمانده در گرایش عده ای از شعرا خاصه مثنوی گوینان دوره دوم و دوره حاضر بساده گوئی تأثیر داشته است. رشید یاسمی با آنکه در این دوره و در قسمتی از دوره سوم که زنده بود منظومه-

های متعدد در قالبهای قدیم قصیده و قطعه و مثنوی بسبك قدما ولی با موضوعاتی جدید سروده است در فاصله ۱۳۰۵ و ۱۳۱۵ از حیث شکل ظاهر شعر، قالبی اختیار

کرد که بقول خودش از چند قسم مختلف اشعار سابق مانند قصیده و مسمط و قطعه و مثنوی و ترکیب بند مایه گرفته است و از لحاظ انقطاعی که در قسمتهای مختلف آن رعایت شده و کار شاعر را در گذشتن از قافیه‌ای به قافیه دیگر آسان میکند نام منقطعات بآنها داده است و در ظرف ۱۰ سال قریب ۲۳ منظومه در موضوعات مختلف و متنوع در این قالب سروده است از قبیل آئینه سیال- صبحانه شاعر - شبی در جنگل- ماهی هوس و غیره .

بعنوان نمونه چند بیت از دو منظومه او در قالب منقطعات خوانده میشود:

از منظومه شبی در جنگل (۱۳۰۵) :

خرم آن ساعتی که طلعت ماه

بدرخشد ز حجله خانه کوه

و آن پراکنده نور او ناگاه

راه یابد به جنگل انبوه ...

از منظومه صبحانه شاعر (۱۳۰۶) :

بامدادان که سوی باغ کنم پنجره باز

بید مجنون بردم همچو یکی بنده نماز

سبزه را شانه کند از سرانگشت لطیف

آب را بوسه دهد از خم گیسوی دراز ...

باید گفته شود که با توجه بقالب اشعاری که دهخدا در اوائل مشروطیت و جعفر خامنه‌ای در ۱۲۹۷ و عشقی در فاصله ۱۲۹۵ و ۱۳۰۵ و بهار در فاصله ۱۳۰۲ و ۱۳۲۰ و نیمادر طی ۱۳۰۱ و ۱۳۳۵ خورشیدی در قالب‌بهای شبیه به قالب‌های منقطعات رشید سروده اند رشید یاسمی را نمیتوان بر خلاف تصور خودش موجود و مبتکر این شیوه دانست ولی استمرار و ورزش او در این سبک در مدتی قریب ده سال و تنوع آثارش در آن باعث شده است که او بیش از سایر شاعران دوره دوم مروج این سبک شناخته شود .

در دهه دوم دوره دوم یکی از شعرای معاصر که تا امروز اصولاً از حیث قالب کلام بسبک قدما شعر میگوید منظومه مفصل و شیوایی در سبک ذوق‌آفین متوالی تحت عنوان زیر آسمان باختر سروده و در ۱۳۱۴ در مجله مهر منتشر

کرده است که از لحاظ شکل و وزن منظومه شبی در جنگل رشید یاسمی را بخاطر میآورد ولی از لحاظ فکر و موضوع و معانی و مضامین با منقطعات او فرق دارد .

در ضمن توضیحات مربوط بدوره سوم یعنی دوره حاضر نیز اشاره خواهد شد که سبک منقطعات رشید یاسمی از حیث شکل مورد توجه و استفاده بسیاری از شاعران حتی چندتن از شعراء مشهور به نوپرداز که بعضی از آنها در دوره دوم اندیشه‌های شاعرانه خود را در قالبهای قدیم از قبیل قصیده و غزل و رباعی میریختند واقع شده و بدین سبب در زمینه موضوع و فکر تنوع مقبول تری پیدا کرده است .

در این دوره شعرائی نیز که شاعره نامدار پروین اعتصامی نمونه کامل آنهاست در عین وفادار ماندن بقالبهای شمری سابق از قصیده و غزل و مثنوی و قطعه و رباعی ، افکار و موضوعات جدید و متنوع اجتماعی و غنائی و وصفی و غیره را استادانه در آن قالبها گنجانده و ثابت کرده اند که استفاده از قالبهای شمری قدیم بمنظور بیان تازه‌ترین و گیراترین و خیال انگیزترین موضوعات و عواطف شاعرانه بشرط چیره دستی و تسلط شاعر کمترین مانع و مشکلی برای او ایجاد نمیکند و شتونده راهم باسانی بدرک اندیشه شاعر و تأثر از آنچه گوینده احساس کرده است قادر میسازد .

چندتن از شاعران دیگر از باقیمانده گان دوره اول که در دوره دوم یاهنوز در قسمتی از آن میزیسته اند و همچنین بعضی از شعرائی که در دوره دوم شروع بسخن سرائی کرده و هنوز زنده اند هم در مورد شکل شعروهم در مورد فکر و موضوع آن تقریباً بی کم و کاست و عیناً روش قدما را رعایت کرده و میکنند و از تحولات اجتماعی و فکری زمان جز بندرت اثری در آثار آنها دیده نمیشود .

در این دوره (دوره دوم) تحول ادبی و ذوقی و هنری نیمایوشیح در خور توجه و امان نظر مخصوص است .

او چنانکه دیدیم پس از آزمایشهایی که در پیروی از سبک قدما در قصیده

و مثنوی و قطعه در اواخر دوره اول (یعنی پیش از ۱۳۰۰ خورشیدی) کرده و توفیقی بدست نیاورده بود در اواائل دوره دوم با سرودن منظومه‌هایی بسکی جدید مانند **ای شب و افسانه و خا نواده سر باز** در میان عده زیادی از ادبا و شعر دوستان با حسن استقبال مواجه شد و تصور میکنم اگر همین روش را تا پایان دوره دوم و دوره سوم ادامه میداد و بتدریج در نتیجه تمرین و ورزیدگی در همان روش نقائصی را که از حیث طرز استعمال لغات و جمله بندیها و عدم رعایت قواعد فصاحت در آن منظومه‌های گنجا بچشم میخورد رفع میکرد و بعبارت دیگر شیوه بیان خود را به زبان مأنوس شعر فارسی نزدیکتر میساخت منشاء تحول و تکامل بسیار مفید و مهمی بخصوص از لحاظ فکر و موضوع در ادبیات ایران میشد.

ولی در اواخر این دوره خصوصاً در فاصله ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ شاید بعلمی ناشی از زندگانی شخصی یا معاشرت با افرادی که تفکر خاص و ناهنگامی درباره شعر داشتند و همچنین تحت تأثیر نهضت‌های پریها و زودگذری که با ظهور شعرائی از قبیل فوتوریست‌ها Futuristes و دادائیست‌ها Dadaistes و سوررئالیست‌ها Surrélistes در ادبیات اروپا رخ داده و توجه او را بخود جلب کرده بود کم‌کم شیوه سابق خود را ترك گفت و به آزمایشهایی بمنظور تصرفاتی عمیق در شکل ظاهری شعر از لحاظ وزن و قافیه دست زد و با طرح نظریه‌های جدیدی مربوط باین مسائل شروع بسرودن منظومه‌هایی بقصد تبلیغ و ترویج و اثبات صحت و قابل توجه و تقلید بودن آزمایشها و نظریه‌های مذکور کرد و هرچه در این راه بیشتر کوشید از مسیر تحول طبیعی و تدریجی شکل شعر فارسی که خود او هم در اواائل دوره دوم در آن سهمی داشت بیشتر فاصله گرفت و چون نظریه‌های جدید و منظومه‌هایی که بقصد اثبات صحت آن نظریه‌ها سروده بود برخلاف منظومه‌های سابقش جز در جرگه معاشران معدودش رواج قابل توجهی نیافت و با حسن استقبال عمومی که انتظار داشت مواجه نشد يك نوع آزرده‌گی و بدبینی و یأس عقده‌زائی در درونش پدید آمد و چنانکه در ضمن تحولات ادبی دوره سوم خواهیم دید این وضع روحی و عقده هنری او از ۱۳۲۰ ببعده در يك محیط آشفته سیاسی ناشی از اشغال ایران در زمان جنگ دوم جهانی مورد بهره‌برداریهای واقع شد.

چون شواهد و دلائل و توضیحات مربوط به مطالبی را که باختصار دربارهٔ دوم گفتم تا حدی بتفصیل در متن کامل سخنرانی ذکر کرده‌ام و شاعران ایران را در آن دوره به چهار طبقه متمایز تقسیم و در مورد هر طبقه از طبقات چهارگانهٔ مذکور به آثار عده‌ای از شاعران زنده یاد گذشته فقط بعنوان استشهاد و بدون دعوی استقصاء کامل و با ارجاع بمدارک و کتب و مجلات اشاره نموده‌ام و مشخصات عمدهٔ شعر فارسی و تحولات آنرا در دورهٔ رضاشاه کبیر اجمالاً بر شمرده‌ام فعلاً بهمین مقدار که دربارهٔ آن دوره بیان شد اکتفاء می‌ورزم.

دورهٔ سوم (۱۳۲۰ تا امروز)

در متن کامل سخنرانی در مورد دورهٔ سوم که شامل ۲۷ سال از سلطنت شاهنشاه آریامهر یعنی از ۱۳۲۰ خورشیدی تا کنون است پس از اشاره به تحولات عظیم و بی‌سابقه اجتماعی و صنعتی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی این دوره یادآوری شده است که وضع شعر و سلیقه‌ها و گرایشهای طبقات مختلف شاعران ایران در این ۲۷ سال بطور کلی (جز در مواردی خاص) با آنچه دربارهٔ دوره سوم ذکر شده است شباهت دارد با این تفاوت که در دوره سوم بعضی از گرایشها و سلیقه‌های شعری مذکور در دوره پیش قویتر و شدیدتر شده و بعضی دیگر رو بکاهش و ضعف نهاده است.

مثلاً در این دوره از عدهٔ شاعرانیکه از هر حیث از شیوه پیشینیان در زمینه شکل و فکر و موضوع شعر مقلدانه و بدون کمترین تصرفی پیروی میکنند کاسته شده است.

از طرف دیگر در میان شاعرانی که غالباً قالبهای قدیم قصیده و غزل و مثنوی و قطعه را برای بیان اندیشهٔ شاعرانه خود مناسبتر یافته و بامهارت و استادی از آن قالبها در موضوعات متنوع استفاده میکنند قریحه‌های بسیار توانائی ظاهر شده است و ضمناً یادآوری شده که در دوره دوازده سال اول این دوره بعضی از استادان بزرگ شعر فارسی از قبیل ملک الشعراء بهار و دهخدا ورشید یاسمی در حال حیات بوده و مقداری از آثار بسیار ارزندهٔ آنها در همین دوره سروده شده است و بدین جهت میتوان گفت که کمیت و کیفیت شعر فارسی

در همه زمینه‌های مذکور و حتی در زمینه فکاهیات و اشعار عامیانه بر دوره سابق برتری دارند .

تصنیف‌ها و ترانه‌های فراوانی که در این دوره سروده شده اگر چه غالباً از حیث آهنگ و شورانگیزی و میزان تأثیر در شنونده پبای تصنیف‌های عارف که استاد مسلم و منحصر بفرد این فن بودند نمیرسند ولی در بعضی از آنها بیشتر از تصنیف‌های عارف رعایت قواعد فصاحت شده و تنوع موضوع نیز در آنها بیشتر است .

از طرف دیگر از ۱۳۲۰ بعد گروهی از شاعران دوره سوم که در میان آنها عده بسیار معدودی از جمع کثیر سخن سرایان معروف به نوپرداز نیز جادارند دارند ، از حیث شکل و قالب شعر سبک منقطعات و ذوق‌افیتین را که رشید یاسمی در دوره دوم در ترویج آن بسیار کوشیده بود تعقیب و تکمیل کرده و از لحاظ شکل و فکر و موضوع تنوع و تازگی بیشتری بآن داده‌اند .

در متن کامل سخنرانی بمجموعه‌های شعری متعددی که شاعران این دوره مخصوصاً بعضی از نوپردازان توانا شامل منظومه‌هایی در این سبک انتشار داده‌اند اشاره شده و بعنوان مثالی از این نوع اشعار چند بند از یک منظومه شیواتحت عنوان خدائی از فروغ فرخزاد شاعره فقید که از یک رباعی خیام الهام گرفته نقل گردیده است و مقداری از آن را میخوانم :

خدائی

نیمه شب گهواره‌ها آرام می‌جنبند
بی‌خبر از کوچ درد آلود انسانها
باز هم دستی مرا چون زورقی لرزان
میکشد پاروزنان در کام طوفانها ...

سینه سرد زمین و لکه‌های گور
هر سلامی سایه تارک بدرودی
دست‌هایی خالی و در آسمانی دور
زردی خورشید - بیمار تب‌آلودی ...

می نشینم خیره در چشمان تاریکی
 کی رسد آن دم کزین قالب جدا باشم ؟
 همچو فریادی بیچشم در دل دنیا
 چندروزی هم من عاصی خدا باشم ...

گر خدا بودم خدا یا - لحظه ای از خویش
 می گسستم می گسستم دور میرفتم
 روی ویران جاده های این جهان پیر
 بی ردا و بی عصای نور میرفتم ...

وحشت از من سایه در دلها نمی افکند
 عاصیان را وعده دوزخ میدادم
 یاره باغ ارم کوتاه می کردم
 یادراین دنیا بهشتی تازه می زادم ...

نقل این اشعار از شادروان فروغزاد دلیل بر این نیست که در میان آثار بعضی از سایر شاعران نوپرداز بردست و هنرمند نمونه هایی که از حیث ارزش هنری با این قبیل اشعار او برابر یا گاهی از آنها برتر باشند و وجود ندارد ولی چون میسر نبود که از آثار همه این گونه شاعران نمونه هایی خواننده شود ناچار به نقل و قرائت این منظومه از فروغ فرخزاد آنهم بقصد تجلیل از خاطر شاعره ای که چشم از جهان فرو بسته است اکتفا کردم .

اشاره بنام فروغ فرخزاد مرا بیادآوری این نکته و امیدارد که افزایش عده زنان شاعر (شاعره ها) در این دوره که غالباً در سبکهای مختلف قدیم و جدید با استادی و لطف و چهره دستی سخن سرائی میکنند یکی از آثار و نتایج مسلم ترقی و گسترش تعلیم و تربیت دختران درسی چهل سال اخیر میباشد .
 (ادامه دارد)